

نوزاد بتواند آنها را بگیرد و یک عروسک لاستیکی که با فشار دادن صدا می‌کند، و یک کاغذ پر زرق و برق، بالای این وسایل گذاشته شده بود. وسایل نامبرده در فواصل مختلف بالای سر کودک آویخته شده بود به گونه‌ای که او به راحتی بتواند آنها را ببیند.

در این دوران تجربی، نوزادان در ابتدا به کندی می‌توانستند حرکت دستهای خود را ملاحظه کنند. ولی به زودی آنها دقیقتر شده و خیلی بیشتر از گروه نوزادانی که تحت کنترل بودند بر فعالیت خود افزودند. در کمتر از یک ماه، آنها آموختند که چگونه دستهای خود را بلند کرده و اشیاء را بگیرند. کاری که نوزادان تحت کنترل در مدت سه ماه به آن دسترسی پیدا کردند. نوزادان گروه یکم که محیط مناسبی برای تحریک حواس خود داشتند، ظرف سه ماه و هشت روز از تاریخ تولد توانستند، به خوبی به تمام وسایل دست یابند، یعنی دو ماه زودتر از نوزادان عادی.

اگر شما فرزندان خود را تحت توجه قرار داده و موقعیتهای آموزشی مختلفی در اختیار آنها بگذارید، تغییرات و تنوع زیادی در فعالیتهای آموزشی آنان مشاهده خواهید نمود. به دنبال این مطلب راهنماییهایی برای سنین مختلف به شما ارائه می‌شود که در هر سنی چه انتظاری می‌توانید از کودک خود داشته باشید و چگونه می‌توانید فعالیت آموزشی وی را تحریک و تقویت نمائید. بایستی دانست که بهترین راهنمای شما عکس العمل فرزند شما است. به او دقیقاً توجه کنید. حتی هنگامی که به او آموزش می‌دهید با دقت روی عکس العمل‌های وی، از او درس بگیرید.

از تولد تا شش ماهگی

اولین هفته‌ای که نوزاد خود را از بیمارستان به منزل می‌آورید،

شروع به شناسایی محرک‌های حسی و فعالیتهای حرکتی وی می‌کنید. پس از آنکه پی به نیازهای فوری، به کمک وسایل تحریک کننده بردید طرق مطبوع و لذت بخشی را برای رفع این نیازها به وجود خواهید آورد. به نظر کار مشکلی نمی‌رسد. شما به آسانی می‌توانید بگوئید، چه موقع این محرک‌ها مؤثرند، یا چه موقع نوزاد به خواب نیاز دارد، یا احساس گرسنگی می‌کند و با آنکه وسیله‌ی تحریک، مورد علاقه‌ی او نیست. هنگامی که نوزاد سیر است، پوشش‌های او عوض شده، جا به جا گردیده و با دقت سنجاق شده ولی باز گریه می‌کند، شما می‌توانید با وسیله‌ی جالب و فریبنده‌ای که به آن نگاه کند، یا آنرا حس کند، یا به آن گوش کند یا حرکت یک نواختی را مشاهده نماید، او را آرام کنید. پس از آنکه نوزاد خود را به خوبی شناختید، با توجه به عکس عملهای او می‌توانید بگوئید که به قدر کافی تحریک گردیده است یا خیر؛ این عدم نیاز به تحریک، وقتی است که او را غلغلک می‌دهید یا آرام و آهسته تکانش می‌دهید ولی نیازی به جنبانیدن یا شیر خوردن یا مالیدن پشت یا آرام کردنش را نمی‌بینید و مشاهده می‌کنید که تمایل به خوابیدن دارد.

نوزاد از روز اول تولد، دوست دارد شیء جالبی برای نگاه کردن داشته باشد. شما می‌توانید بالای تختخواب او شیشی روشن یا رنگی متحرکی را بیاویزید و هر وقت در اطاق هستید آن را حرکت دهید. ضمناً توجه کنید که باید آن شیء را هر چند روز یک بار عوض کنید. می‌توانید سبب نوزاد را در محل‌های مختلف اتاق بگذارید تا منظره‌ی آن تغییر کند. می‌توانید اتاق کودک را به عوض بیمارستان که همه جای آن سفید است در مکانهای مختلف به رنگهای شاد در آورید. می‌توانید نوارهای خوشرنگ شاد و عکسهای خوشرنگ نقاط مختلف دیوار نصب

کنید. می‌توانید نوزاد را با خود از اتاقی به اتاق دیگر ببرید تا اشیاء مختلف را ببیند و از پنجره به خارج نگاه کند. می‌توانید او را در محل راحت و امنی در آشپزخانه بگذارید تا بتوانید، هنگام تهیه‌ی غذا هم با او صحبت کنید.

اگر طی هفته‌های اول زندگی، نوزاد شروع به گریه کند و شما او را روی شانه خود بگذارید گریه را قطع کرده و به اطراف نگاه می‌کند. طبق تحقیقاتی که در دانشگاه‌های مختلف به عمل آمده این هوشیاری دید، از لحاظ آموزش اولیه طفل، دارای اهمیت بسیار زیادی است. ترکیب نحوه‌ی آرام کردن نوزاد، به دین طریق، توأم با موقعیتی که برای دیدن اطراف به وی دست داده، یک روش ایدآل آموزشی است.

هنگامی که نوزاد توانست سر خود را بالا نگهدارد، گهواره‌هائی به صورت کوله پشتی برای او تهیه کنید. در این گهواره دستهای شما و کودک آزاد است بنابراین با راحتی می‌توانید او را بیرون برده یا حتی در اطراف حیاط منزل، حرکت دهید تا حواس وی بهتر بکار افتد.

بهتر است در ماه‌های اول زندگی، برای بردن طفل به اطراف از صندلیهای تا شونده یا کالسکه استفاده شود. هدف شما از این کار باید در اختیار گذاردن مناظر وسیعتری در معرض دید کودک باشد. این دو وسیله، کودک را از خزیدن ممانعت می‌کند و مانع کشف فیزیکی محیط اطراف، که موجب محدود شدن فکری است می‌شود.

زیر بنای زبان و صحبت کردن هم، در اولین هفته‌های زندگی ساخته می‌شود. شما باید در اولین دفعه‌ای که کودک خود را بغل می‌کنید، با او صحبت کنید. بایستی آهنگ صدای خود را، صبح و به هنگام سلام تغییر دهید. پوشش او را عوض کنید، شیر بدهید، و او را درون تخت خود بگذارید، تلاش او را برای برقراری رابطه با خودتان جدی بگیرید و

به آن جواب بدهید. حتی در اولین هفته‌های زندگی، او می‌آموزد که چگونه با فریاد و گریه با شما صحبت کند، بگوید گرسنه است، آسیب دیده یا دلش درد می‌کند.

نوزاد به زودی شروع به شلوغ کردن و تلفظ حروف صدا دار، بی صدا و هر گونه صدای دیگری می‌نماید. متخصصین زبان می‌گویند، کودک در اولین سال زندگی شروع به ساختن تمام واحدهای زبانه‌های مختلف روی زمین می‌کند. ولی بالاخره آنهایی را که در منزل می‌شنود از بقیه جدا می‌نماید. او پس از اینکه به سن بلوغ رسید، قادر نیست تا هیچیک از این صداهائی که در طفولیت ساخته، حتی اگر آن زبان را تحصیل کند تلفظ نماید.

وقتی کودک، صدایی را به جانب و سمت شما در می‌آورد، با علاقه به آن گوش کنید پس از آنکه صدا کردن او متوقف شد با وی صحبت کنید. این کار به او می‌آموزد که به چه زبانی باید صحبت کند. پس از آنکه همان صدائی که شما در آوردید او هم تقلید کرد آنرا تکرار کنید. البته نباید گفته‌ی کودک را تقلید نمود، بلکه بایستی به زبان صحیح با وی صحبت کرد. برای کودک آواز بخوانید و با وسائل صوتی، برای او آهنگ بنوازید.

دکتر «فاولر» برنامه‌ی ویژه‌ای برای آموزش زبان، به دختر خود، از روز اول تولد او ترتیب داد. هنگام عوض کردن پوشش، حمام کردن و شیر دادن، توجه دختر را به اشیاء مختلفی جلب، و اسامی آنها را بر زبان می‌آورد. دختر اولین کلمات روشن خود، یعنی «سگ» و «توپ» را در سن ۸ ماهگی ادا کرد. در ۱۴ ماهگی او صد کلمه می‌دانست و در ۱۵ ماهگی، این تعداد دو برابر شدند در سن ۱۴ ماهگی دختر جمله‌هائی حاوی ۲ و ۳ کلمه ادا می‌کرد و در ۱۸ ماهگی جمله‌های کاملی متشکل

از ۸ کلمه را می گفت.

تعداد کلماتی که دختر می دانست، به طور غیرعادی، خیلی زیاد بودند. او قادر بود کلمات ثقیل، مانند اسپاگتی، کریسمس و امثال آن را تلفظ کند. اطفال عادی در مقایسه با دختر دکتر فاولر در اولین سال تولد، معمولاً سه کلمه می دانند، ۱۹ کلمه در ۱۵ ماهگی، ۲۲ کلمه در ۱۸ ماهگی و ۲۱۷ کلمه در سال دوم تولد. تازه تلفظ تعدادی از این کلمات هم روشن نیست.

بهره هوشی دختر دکتر فاولر در ۲ سالگی ۱۷۰ بود. پدر شروع به آموزش خواندن به دختر خود نمود دختر نیز به آسانی پیشرفت می کرد. دکتر تمام این موفقیت‌های دختر را مرهون تحریکات انجام شده در هفته‌های اول تولد او می دانست.

حرکت فیزیکی بدن، راه دیگری، جدا از رشد و نمو هوش است. شواهد زیادی در دست است که مبنای آموختن احساس آگاهی کودک از موقعیت و منشاء حرکات قسمت‌های مختلف بدن است. حرکات از احساس تعداد زیاد و مختلفی از محرکها، و احساس اطلاعاتی به وجود می آید که در مغز کودک ذخیره شده و به هم مربوط گردیده‌اند تا آنکه کودک اطلاعات لازم را در مورد حرکات به دست بیاورد.

پس از آنکه کودک، محرک‌هایی را از طریق چشم، گوش، بینی و زبان بدست می آورد آنها را به آگاهی خویش از موقعیت حرکات قسمت‌های بدن مربوط می کند. نوزاد احتمالاً مادر را از طریق در آغوش گرفتن او، و احساس نوک پستان وی در بین لب‌هایش می شناسد. ولی به زودی از محرک بینایی خود برای دیدن مادر و شنیدن صدای او برای شناختن بیشتر استفاده می کند.

پس از چندی که مغز کودک، اطلاعات بیشتری از حرکات و لمس

کردن به دست آورد و این موقعیت را داشت که محرکهای بیشتری از حس بینائی دریافت کند، او به بینائی، بیش از لامسه متکی می شود و در نتیجه از بینائی خود بیشتر استفاده می کند. معهذاً حتی در سنین ۲ و ۳ سالگی، باز هم او بیشتر میل دارد تا برای شناسائی اشیاء آنها را لمس کند تا از این طریق، احساس محرک بینائی خود را تکمیل نماید، افراد بالغ نیز چنین اند. برای خرید پارچه، ظروف چینی و غیره از لامسه خود نیز کمک می گیرند.

برای ساختن مبانی مجموعه ی اطلاعات از حرکت، کودک شما، نیاز به آزادی زیاد و موقعیتهائی برای لمس کردن، حرکت کردن به اطراف، دستکاری کردن اشیاء، دست رسانیدن و گرفتن و رها کردن دارد. به وی بایستی حداکثر آزادی در محدوده ایمنی و سلامتی خود، راحت بودن لباسهایش و مسائلی از این قبیل، داده شود.

دکتر «پیاژه» به وضوح نشان داد که چگونه محیط می تواند، به طور ناخود آگاه موجب تاخیر رشد کودک شود. او دارای سه فرزند بود. دو نفر از آنها یعنی «لورنت»^۱ و «لوسین»^۲ در دو ماهگی توانستند حرکات دستها و چشمان خود را با هم مربوط کنند، ولی ژاکلین تا سن ۶ ماهگی به این کار توفیق نیافت. دکتر پیاژه دریافت که دلیل این بوده است که ژاکلین در زمستان بدنیا آمده و والدین ترجیح می دادند، تا روزها وی را خارج از اتاق در آفتاب قرار دهند، ولی برای جلوگیری از سرما دستهای کودک را در دستکشی که نمی توانست انگشتان خود را حرکت دهد و بازوان وی را زیر پتو می گذاشتند به طوری که کودک قادر نبود انگشتان و دستهای خود را در اختیار بگیرد.

طی ماههای اولیه ی زندگی نوزاد، شما می توانید به طرق مختلف

حس آگاهی از موقعیت حرکات قسمتهای مختلف بدن را در وی آشکار سازید. شما می‌توانید این شانس را به فرزند خود بدهید که در ساعات بیداری او را روی تشک نرمی، کف اتاق بگذارید تا به آزادی دستها و پاهای خود را بدون آنکه به جانی اصابت کند، آزادانه حرکت دهد. او را به روی شکم، روی سطح صافی بگذارید تا بیاموزد که چگونه به پشت بفتد. می‌توانید توپ یا زنگی بالای سر او بیاویزید تا آنها را حرکت دهد. یا عروسک پلاستیکی در دسترس وی بگذارید تا با آن بازی کند.

مهمتر از همه آنست که بدانید فرزند شما موجود فلجی نیست که آرام روی تخت خود دراز بکشد، بلکه او موجود زنده و در حال رشدی است که به فعالیت، ورزش و تحریکات نیاز دارد.

شما می‌توانید پارچه‌های نرمی در اختیار نوزاد قرار دهید تا آنها را پیچانیده و گلوله کند، تکه اسفنجی را به او بدهید تا آن را آزمایش کند، کاغذی در اختیارش بگذارید که آن را مچاله کرده و از صدای خش خش آن لذت ببرد. می‌توانید تکه یخی را به آرامی به انگشت او نزدیک کنید یا با جسم نسبتاً گرمی این کار را آزمایش کنید. می‌توانید انگشتان دستها و پاهای او را به آرامی بشمارید، پلک‌های چشم، بینی و گوش او را لمس کنید. توجه داشته باشید نوزاد تمام این وسایل را با دهان نیز آزمایش می‌کند. دقت کنید که این وسایل قابل فرو دادن نباشد.

همین که کودک توانست حرکات عضلات دستها و چشمها را با هم تطبیق دهد، می‌توانید او را تشویق کنید اشیاء اطراف خود را بگیرد. پس از آنکه او آن اشیاء را گرفت، بگذارید به هر شکل که خالی از ضرر است، و می‌خواهد با آنها بازی کند. گذاردن دستمال روی چشمان نوزاد، به محض اینکه بتواند آن را کنار بزند، برایش بازی مفرحی است.

اگر در سنین ۳-۴ و ۵ ماهگی ملاحظه کردید کودک کاری را

تکرار می‌کند، یا ممکن است زمان درازی صرف کند که جسمی را گرفته و مدتها به آن نگاه کند، یا حرکات دستهای خود را تکرار می‌کند میل دارد حس کنجکاوی خود را ارضاء نماید دکتر «پیاژه» و دکتر «هات» می‌گویند، این فعالیتها نتیجه‌ی جذب ماهها محرکهای حسی زیادی است. تکرار این حرکات، نمایانگر شروع مرحله‌ی دیگری در زندگی نوزاد است که آن عبارت از تحریک حس کنجکاوی نوزاد برای کشف اشیاء و فعالیتهای جدید است. دکتر هانت می‌گوید هرچه نوزاد در مرحله‌ی اول تحت تحریکات بینانی و شنوایی بیشتری قرار گیرد، و اشیاء و دیدنیهای بیشتری در اطراف وی باشد، در مرحله‌ی دوم با علاقه بیشتری درصدد شناسائی اشیاء دیگری برخواهد آمد، و به همین ترتیب اشیاء جدید در مرحله‌ی سوم جذبه‌ی بیشتری برای وی خواهند داشت.

این تغییرات نشان می‌دهد که هرچه کودک بیشتر ببیند و بیشتر بشنود به همان نسبت بیشتر می‌خواهد بشنود و ببیند و بیاموزد.

شش تا دوازده ماهگی

زمانی که طفل توانست خودش بنشیند به مقدار زیاد مجذوب محیط اطراف بوده و به اشیاء مختلف نگاه می‌کند و می‌خواهد آنها را لمس نماید. در این سن کودک، همچنین میل دارد بیش از نگاه کردن و لمس کردن، این اشیاء محرک را در مغز خود ضبط کند. او در این سال، تجربیات مفدماتی را در مورد علل و آثار به دست می‌آورد. او اشیاء کوچک را گرفته و به دور از دسترس خود پرتاب می‌کند، سپس فریاد می‌کشد تا آن شیء را بدست آورد، و حتی دوباره آن را به دست آورد مجدداً آن را پرتاب می‌کند، این کار را بارها تکرار می‌کند او می‌خواهد بداند چه ارتباطی بین پرتاب شیء و افتادن به کف اتاق و صدائی که از

برخورد شیء به کف اتاق ایجاد می شود، وجود دارد.

دکتر «کفارت»^۸ رئیس مرکز تحقیقات کارهای بزرگ کودکان می گوید: در حقیقت نیروی جاذبه زمین نقطه ثابتی است که نوزاد، در مرحله اول احساس حرکت در زندگی خود، سعی می کند آن را تحت قوانین و اصول معینی بشناسد، بنابراین این تجربه را شما باید با برداشتن اسباب بازی که برای هشتاد و هفتمین بار به زمین پرت شده است بهتر درک کنید.

در این مرحله از زندگی کودک، شما می توانید با تهیه انواع و اقسام اسباب بازیها به رشد مغزی وی کمک نمائید، این وسایل می تواند شامل: اشیائی برای دست زدن، گرفتن، پرتاب کردن، وسایل پلاستیکی که می شود آن را به تخت نوزاد آویخت، آئینه نشکن با قاب لاستیکی، حیوانات متحرک و غیره باشد. کودک دوست دارد یک یا دو حیوان را با لباسهای جالب، هنگام خوابیدن در بغل داشته باشد. البته لازم نیست بدین منظور پول زیادی مصرف کنید و اسباب بازی برای فرزند خود بخرید.

مقدار زیادی از این وسایل را می توان در منزل فراهم نمود. کودک از قرقره ای که در داخل کتری کوچکی انداخته شده باشد، بی نهایت لذت می برد. یک لانه پرنده ی سبک وزن، توپهای پلاستیکی، جعبه خالی با چند دستمال کاغذی داخل آن، وسائلی از این قبیل، پس از آنکه فرزند شما توانست با دست و پا به جلو بخزد باید او را از گهواره به روی سطح صافی قرارداد تا بتواند به جلو حرکت کند. شما می توانید با قرار دادن اشیائی دور از دسترس وی، او را به خزیدن به جلو ترغیب نمائید.

شواهد زیادی در دست است که خزیدن طفل دارای اهمیت زیادی

است و موجب تقویت هوش و قدرت بینائی او می شود. این فعالیت و تطبیق حرکات دست‌ها و پاها با حس بینائی، موجب تقویت رشد مغز می گردد. این دلیل خوبی است که کودک را داخل نشیمن متحرک که به کمک پاهای کودک حرکت می کند نگذارید، و سعی نکنید زود راه رفتن را شروع کند. تمام شانس‌ها را برای وی فراهم کنید که با دستها و پاها و زانوها به اطراف حرکت کند، یک راه خوب برای آموختن خزیدن به کودک اینست که او را در ۵-۶ و ۷ ماهگی با شکم روی زمین قرار دهید.

بهترین محرکی که شما می توانید برای فرزند خود فراهم کنید که او را وادارد مقدار زیادی روی زمین بخزد، اینست که او را در اطاق وسیعی قرار دهید، اطاق باید به حد کافی گرم و کودک کاملاً پوشیده باشد و زانوهای طفل را پارچه نرمی بپوشاند. هرگونه وسائلی که ممکن است به نحوی به کودک آسیب برساند، باید از دسترس وی خارج شود، درهای اطاق بسته، تسهیلات الکتریکی پوشانیده شده و اسباب بازیها به طور متفرق در اطاق قرار گیرند.

سرانجام لازم می شود به کودک بیاموزید به اشیائی که متعلق به وی نیست دست نزند و برای مالکیت دیگران احترام قائل شود. البته بعضی مواقع توصیه شما را فراموش می کند و گاهی هم آنرا نادیده می گیرد. اگر کودک شما به اندازه کافی، انگیزه‌های احساسی که موجب پی بردن او به مسئولیتی است که نسبت به مالکیت غیر دارد، دریافت کند و «نه» های شما انگیزه‌های قبلی را در وی خنثی نسازد، ظرف چند ماه به خوبی دستورات شما را اطاعت می کند.

اگر هوا خوبست شما می توانید کودک را خارج اطاق بگذارید که روی چمن‌ها خزیده حرکت کند. موقعیت خزیدن روی فرش یا کف

چوبی اتاق موجب تغییر محرکی می شود که کودک به مغز می فرستد .
اولین روزیکه فرزند شما بتواند یک وجب خزیده برود بایستی از
لحاظ تامین و سلامتی تمام اتاق و محلهائی که طفل ممکن است برود ،
کاملاً واریسی گردد . سرعت حرکت کودک را نمی توان تخمین زد
بنابراین بایستی تمام احتیاط های لازم ، از لحاظ اشیاء ، داروها و وسائل
دیگر ، که ممکن است در دسترس نوزاد قرار گیرد به عمل آید .
بر آورد گردیده که ۲۵۰/۱۰۰۰ وسیله منزل در بازار است که اگر هر
یک را طفل بلعد ، موجب مرگ وی می شود . روی بعضی از آنها علامت
سمی نقش شده ولی روی تعداد دیگری نقش نگردیده . هر گونه وسائل
نظافت منزل مانند واکس ، مایع سفید کننده ، حشره کش ، انواع داروها ،
حتی داروهای غیرسمی مانند اسپرین ممکن است موجب مرگ کودک
شود ، بنابراین باید دور از دسترس قرار گیرند .
شما البته کودک را از لحاظ سلامتی و امنیت ، هنگامی که زیر نظر
شما نیست ، در محل محصور می گذارید . ولی ، این کار نباید برای
مدت زیادی از ساعات بیداری وی ادامه یابد ، همانطور که کودک هنگام
گرسنگی ، نیاز به شیر یا غذای دیگری دارد ، هنگامی هم که در محل
محصور قرار داده می شود ، نیاز به تحریکات مغزی دارد . بنابراین
هنگامی که به آموختن او کمک می کنید ، نباید با مقید کردن وی در
محل محصور برای مدت طولانی ، جلو رشد او را بگیرید .
ترتیب دادن منزل به شکلی که یک کودک در حال خزیدن ،
حداکثر آزادی عمل را داشته باشد ، موجب از بین بردن آرامش و راحتی
افراد بالغ است ولی در هر صورت ، این کار دوران رشد احساس حرکت
و جنبش طفل و توجه به او ، بی نهایت واجد اهمیت است .
طی نیمه دوم سال اول زندگی ، کودک شما رشد زیادی از لحاظ

برابر نمودن انگیزه و محرک برای تمام حواس خود پیدا می‌کند. او اکنون از صدای پا می‌تواند تشخیص دهد که شما می‌آیند و بین صدای پای مادر و پدر فرق می‌گذارد. او ممکن است بداند که چگونه صدای تلویزیون را زیاد کند. او می‌تواند، اگر شما هنگام آن را ببرید به طرف جعبه‌ی نان کلوچه بروید.

او اکنون در مورد فضا و زمان بیشتر آموخته است. علل و آثار و رشته فعالیتها را می‌شناسد. او را اکنون اگر به اتاق انتظار پزشک ببرید شروع به گریه می‌کند، زیرا به خاطر دارد دفعه‌ی گذشته به او آمپول تزریق شده است. او ممکن است از دیدن یک زن پرستار که به منزل وارد می‌شود گریه کند، نه به این جهت که این زن را دوست ندارد، بلکه به این جهت که می‌داند والدین قصد دارند از خانه خارج شوند.

فرزند شما اکنون کلمات را با اشیاء مربوط می‌سازد، گرچه تا چند ماه دیگر خودش نمی‌تواند کلماتی درست کند، ولی شما می‌توانید او را به آموختن زبان تشویق کنید. مثلاً نام اشیائی را که طفل به آنها نگاه می‌کند، ببرید. می‌توانید کارهائی را که می‌کند با کلمات بیان کنید. برای مثال تو اکنون روپوش را به تن می‌کنی و روی دامن من می‌نشینی، من ترا می‌جنابم. علاوه بر این، می‌توانید هر وقت با او هستید با کودک صحبت کنید و اگر چیزی گفت، با دقت به آن گوش دهید.

اگر فرزند شما تصادفاً صداهائی تقریباً مانند ماما یا بابا از خود درست کرد، با شادی نسبت به آنها عکس العمل نشان دهید، این عمل به فرزند شما می‌فهماند که او می‌تواند صداهائی بسازد که معنی دارد. همچنین، در این سال به او کمک کنید که لغاتی مانند آبه به جای آب و نه نه به جای مادر بزرگ را که او می‌گوید شناخته، و آنها را بکار برد.

مثلاً هنگامی که مریم دختر کوچک خانواده، با دیدن برادر سه

ساله اش بهروز، کلمه به به را ادا کرد، مادر به بهروز بگوید مریم نام ترا صدا می کند. بهروز بسیار خوشحال شده و از این به بعد تا موقعی که مریم توانست کلمه بهروز را تلفظ کند، او را در خانه به به خطاب می کند همین عمل، موجب تشویق مریم در بکار بردن کلمات دیگر می شود.

پس از آنکه کودک دریافت هر شخص یا هرچیز نام به خصوصی دارد، آن زمان باید شروع به تصحیح کلماتی که بکار می برد، نمود. بدین ترتیب، کودک زودتر قادر به تلفظ کلمات و صحبت کردن می شود.

در سن ده ماهگی بایستی برای کودک شروع به خواندن کتابهایی که برای اطفال نوشته می شود، نمود. هنگامی که کودک شما می خواهد از خزیدن روی دست و پا، بلند شده و روی پای خود بایستد مکان و زمان آرامی را در نظر گرفته و یکی از کتابهای مصور کودک را باز کنید، پس از آنکه کودک به شما نزدیک شد و به کتاب و عکسهای آن نگاه کرد، اسامی عکسهای آشنا را برای وی گفته و از حکایات کوتاه کتاب برایش بخوانید، بدین طریق کودک شما تشویق به نگاه کردن به کتاب می شود.

البته او در این سن به معنای تمام کلماتی که شما می گوئید پی نمی برد، ولی او بیش از آنچه که والدین انتظار دارند درک می کند و از در آغوش گرفتن شما و صدای شما لذت می برد و با شادی شروع به شرکت در کتاب خواندن شما می کند.

کارهای کودک شما در این سن، از قبیل گرفتن، رها کردن، پرتاب کردن، صدای اشیاء را در آوردن، هل دادن، و کشیدن ادامه دارد، ولی اگر به کارهایش دقت کنید، ملاحظه می کنید که به تدریج به منظوره‌های معینی این کارها را می کند و نسبت به چند ماه قبل، تمرکز فکری بیشتری روی کارهای خود دارد. او اکنون از بکار بردن صحیح

انگشتان برای گرفتن و پرتاب کردن لذت بیشتری می‌برد. مقدار انگیزه‌های احساسی یا محرک‌های حسی و فعالیتهای تحرکی کودک شما در نیمه‌ی دوم سال اول، به آموخته‌های رفتار وی منعکس می‌شود. او قادر است انگیزه‌های بیشتری را در مغز خود ذخیره کند. او اکنون نقاط عطف و اشاره‌ی بیشتری برای اشیاء جدید محیط اطراف دارد؛ هرچه او بیشتر کنجکاو شود به جای ترس و بی‌تفاوتی به مناظر جدید و کارهای تازه، ذی‌علاقه‌تر می‌گردد.

یکسالگی تا هیجده ماهگی

هنگامی که کودک شما توانست به روی پای خود ایستاده و چند قدم لرزان بردارد، یا آنکه خود را به میز کوتاه یا صندلی بیاویزد، آنوقت از اشیاء و مناظر آشنا، تصویر دیگری می‌بیند. همین امر علاقه‌ی وی را به شناسایی بیشتر اشیاء، افزایش می‌دهد. او می‌تواند فشار دهد، بکشد، بالا برود، حتی کوچکترین اشیاء را بگیرد و با سرعت تعجب‌آوری به اطراف حرکت کند. طول زمان دقت او کوتاه است. بنظر می‌رسد که انرژی او سه برابر افراد بالغی که از او مراقبت می‌کنند، گردیده است. و قدرت او به گرفتن اشیاء چنان افزایش می‌یابد که مادرش برای جلوگیری و متوقف کردن وی، از نفس می‌افتد.

از آنجائی که ماندن کودک در تختخواب راحت تر است، مادر بیشتر میل دارد او را آنجا نگهدارد. بعضی مواقع مادر اغوا می‌شود که کودک را در محل کوچک محصور نگهدارد و وسائل شکننده و خطرناک را از وی دور کند. بعضی می‌گویند کودک تا می‌تواند باید در محل محصور خود نگهداری شود. این یک اشتباه بسیار سنگینی است و به رشد هوش فرزند آسیب می‌رساند. چه فعالیتهای حرکتی و احساسی در

سال دوم زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دکتر هانت می‌گوید: اطفالی که در منازل شلوغ زندگی می‌کند، از فقدان انگیزه‌های احساسی رنج نمی‌برد، آنها از اطفالی که در اطاقهای تمیز و گهواره‌ی مرتب زندگی می‌کنند، بیشتر می‌بینند، بیشتر می‌شنوند و بیشتر حرکت می‌کنند، مبنای محرومیت که موجب شکست کودک در مدرسه می‌شود، از سن دو سالگی شروع می‌گردد. این محرومیت را تا سن ۵ و ۶ سالگی هم نمی‌توان جبران نمود. استعداد کودک در خانه خلوت به سرعت سقوط می‌کند و شانس‌های کمی برای شنیدن و به کار بردن زبان دارد.

طبق بررسی‌هایی که در دانشگاه هاروارد بعمل آمده اهمیت بیشتر و حیاتی محیط منزل از دوازده ماهگی شروع می‌شود محققان به این نتیجه رسیده‌اند که بحرانی‌ترین سن رشد شایستگی و عالی کودک، بین سن یک و سه سالگی است. قطعی‌ترین نیازهای کودک در این سن برای رشد شایستگی، عبارتند از آزادی پی‌گیری و تجسس سالم محیط و تشویق وی برای آموزش زبان برای آگاهی از کلید رشد عالی فکری کودک، باید دید که مادر طی ۲۴ ماهه اولیه‌ی زندگی کودک چه می‌کند و چه نمی‌کند.

طرح آموزش قبل از دبستان هاروارد روشن نموده است که چرا چنین اختلافی در تواناییهای کودکان شش ساله وجود دارد این اختلاف تواناییها، به علت اشکال پرورش در آموزشگاه، و عدم امکان تسلط به موانع عقب ماندگی، یک مسئله و مشکل ملی را به وجود آورده است. یکی از اولین هدف‌هایی که محققین هاروارد به آن دست یافته‌اند، تعیین دقیق نتایج ایدال پرورشی است که کودکان در شش سالگی بایستی به آن رسیده باشند. عوامل ترکیب دهنده یک پرورش موفقیت آمیز شش

سالگی چیست؟

متخصصین هاروارد شروع به مطالعه روی صدها کودک قبل از دبستان با اختلاف زیاد فرهنگی، نژادی، و زمینه‌های اقتصادی نمودند. با آموزگاران، والدین و متخصصین بهداشت کودکان صحبت کردند. اطفال را آزمایش نمودند، با دقت آنها را در خانه، مدرسه و فروشگاهها زیر نظر قرار دادند. سپس آنها را به دو گروه تقسیم کردند. نیمی از این اطفال، از لحاظ شایستگی در سطح عالی قرار داشتند، قادر بودند به بهترین وجه از عهده‌ی هرچه که با آن روبرو می‌شدند، برآیند. نیمی دیگر، هیچ وضع غیرطبیعی فیزیکی و فکری نداشتند، ولی به طور کلی دارای شایستگی کمتری بودند.

سپس محققین با دقت فرق بین دو گروه بالا را تجزیه و تحلیل نمودند. اطفال را به مدت هشت ماه زیر نظر گرفته و دقیقه به دقیقه فعالیت‌های آنان را ارزیابی نمودند. محققین از لحاظ تواناییهای کارهای فیزیکی و استعداد فرق زیادی بین اطفال نیمه یکم، نیافتند. ولی تعدادی از استعدادها، افراد شایسته را از آنهایی که دارای شایستگی کمتری بودند، متمایز می‌ساخت.

طبق تحقیقات و بررسیهای دانشگاه هاروارد خصوصیات مشخص کننده‌ی یک فرد شایسته به شرح زیر است:

— کودک بتواند توجه افراد بالغ را هنگام صحبت با آنها، نشان دادن شیشی به آنها، رفتن به جانب آنها یا دست دادن به آنها به خود جلب کند.

— اگر انجام کاری برایش خیلی مشکل است بتواند از افراد بالغ کمک می‌گیرد و بدون آنکه بگذارد فرد بالغ انجام کار را خود به عهده بگیرد، از آنها اطلاعات بخواهد و به طرق مختلف

همکاری طلب کند.

— بتواند محبت و خصومت خود را به افراد بالغ یا هم سن خود، بیان کند.

— در فعالیتهای مختلف بتواند افراد همسن خود را رهبری یا همکاری کند. بتواند نظر داده و بازی را هدایت کند. بتواند برای دیگران سرمشق باشد و همچنین پیشنهادهای دیگران را قبول کند.

— بتواند با سایر کودکان همسال خود رقابت کند.

— از موفقیتهای خود در مورد چیزی که درست کرده یا می کند مباحث کند.

— بتواند نقش یک فرد بالغ یا کار او را بازی کند یا از کاری که پس از بزرگ شدن می خواهد انجام دهد، صحبت کند.

— بتواند خوب صحبت کند، دستور زبان را رعایت کند و دایره لغات وی برای سنش وسیع باشد.

— از اختلافات، تناقضات و بی نظمی های محیط خود آگاه باشد و بتواند در مورد آنها صحبت کند.

— بتواند عواقب کار را پیش بینی نموده و در مورد آنها بحث کند.

— بتواند علائم و خلاصه ی مفاهیم اعداد، کلمات و قواعد را بیان کند.

— بتواند خود را به جای فرد دیگری بگذارد و بتواند بگوید مسائل از طرف آن شخص چگونه به نظر می رسد.

— بتواند معاشرت های جالب ترتیب دهد و از صحنه ها، اشیاء و تجربیات گذشته صحبت کند.

— توانائی اجرای طرح و انجام کارهایی که دارای چندین مرحله

است، داشته باشد.

— بتواند وسائل موجود را به طرز مؤثری بکار ببرد، افراد را انتخاب و آنها را سازمان داده و مشکلات را حل کند.

— بتواند دو کار را با هم انجام دهد، یا آنکه به یک کار تمرکز یابد و ضمناً کارهایی که در اطراف وی می‌گذرد زیر نظر داشته باشد.

دانشگاه هاروارد پس از روشن کردن خصوصیات یک کودک شایسته اقدام به تحقیق نمود تا روشن کند کودکان چگونه این توانایی‌ها را بدست می‌آورند و چه عواملی در منزل رشد این خصوصیات را تقویت می‌کند، در ابتدا متخصصین، پرونده ۱۰۰ نفر از کودکان را که برای تعیین میزان هوش و شایستگی به مدت دو سال مورد تحقیق قرار داده بودند، تجزیه و تحلیل کردند. این بررسی و تحقیق نتایج غیر منتظره‌ای ببار آورد، بدین قرار که: در اطفال شایسته‌ی سه ساله، بیشتر خصوصیات افراد ۶ ساله شایسته رشد کرده بود. محققان بلافاصله پی بردند که بررسی را بایستی در اطفال سنین پائین‌تر انجام دهند.

سپس محققین هاروارد به این نتیجه رسیدند که اختلاف کمی از لحاظ سن، بین اطفالی که بعداً بیشتر شایسته شده‌اند با آنهایی که کمتر این خصوصیت را حائز گردیده‌اند وجود دارد. این وضع بستگی داشت به اینکه بین سنین یک تا سه سالگی در منزل به طفل چه گذشته که باعث این اختلاف در روحیات وی شده است اختلافی که در سن سه سالگی کاملاً مشهود است و تقریباً آنرا در سن ۶ سالگی نمی‌توان تغییر داد.

طی بررسیهای بیشتر، گروه متخصصین هاروارد به فکر خانواده‌هایی

افتادند که اطفال خیلی شایسته یا ناتوان پرورش داده و اکنون نیز طفل یکساله‌ای در خانه دارند. با اجازه‌ی والدین، محققین هاروارد دو سال اطفال را زیر نظر گرفته و درجه‌ی شایستگی را که در آنها رشد می‌کرد با کارهای مراقبتی از کودک در خانه مربوط نمودند.

محققین هاروارد به دو منطقه حساس، طی دو سال تحقیق خود، که دارای اهمیت حیاتی بود دست یافتند تحقیقات در مورد اطفالی که بین سنین یکسالگی و سه سالگی بودند انجام شد. اهمیت این دو منطقه عبارت بود از آزادی حرکت به اطراف که دارای انگیزه‌های احساسی زیاد بودند و به کار بردن زبان.

تقریباً نزدیک به اولین سال تولد که اطفال راه رفتن را آموختند. طفلی که توانائی حرکت به اطراف را آموخت کار و فشار زیادی برای مادرش به وجود آورد. رفتار مادر در مورد این تحرک طفل هرگونه‌ای که بود، مبنای دستیابی فرزند را به شایستگی عالی یا عدم شایستگی او فراهم می‌آورد. البته این موفقیت و دستیابی در سنین سه سالگی بود و رفتار دو ساله بین یک تا سه سالگی، نتیجه خود را در پایان سه سالگی عرضه می‌کرد.

طبق نتیجه‌ای که متخصصین هاروارد بدان دست یافته‌اند. مادرانی که اطفالی را پرورش داده‌اند که دارای حداقل شایستگی و استعداد هستند به آن سبب است که آنها را اغلب ساعات بیداری در فضای بسته و محوطه‌های محصور نگهداری کرده و آزادی حرکت به اطراف و تماس با اشیاء و محیط مجاور را از آنها سلب کرده و مانع رشد حس کنجکاوی و کاوش آنها گردیده‌اند. در عوض اطفالی که از شایستگی زیاد برخوردارند از هرگونه آزادی عمل، حرکت و تماس با اشخاص و اشیاء برخوردار بوده‌اند. مادران این اطفال، علاوه بر اطاق، محوطه‌ی آشپزخانه

۹۶ • چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم

را نیز طوری امن و بی خطر کرده‌اند که کودک بتواند به آنجا رفته و با مادر خود بیشتر در تماس باشد.

طبق نظر محققان هاروارد اطفال یک و دو ساله وقت خود را با اشیاء بیش از اشخاص صرف می‌کنند. طفل یکساله ۸۸ درصد وقت خود را با اشیاء و ۱۲ درصد را با اشخاص صرف می‌کند ولی اطفال ۲ ساله ۸۱ و ۱۹ درصد بیشتر اشیائی که اطفال در این سنین با آنها بازی می‌کنند، کوچک و سبک‌اند به حدی که بتوانند آنها را بلند کنند.

متخصصین هاروارد می‌گویند اطفال ۱۲ تا ۱۵ ماهه بیشتر وقت خود را صرف نگاه کردن به اشیاء و شناسائی آنها می‌کنند تا اطلاعاتی از آنها بدست آورده و از کیفیت آنها مطلع شوند، ولی بتدریج بیشتر وقت خود را صرف انجام کارها می‌کنند. اطفالی که بعداً شایستگی بیشتری پیدا می‌کنند، طی این دوران وقت خود را بیشتر صرف تسلط به کارهای سبک می‌کنند. اطفالی که رشد آنها ضعیف است، وقت خود را به بیکاری می‌گذرانند. دکتر وایت این روش را نشانه‌ی تهی مغزی می‌نامد.

طبق نظر محققان هاروارد، عوامل عمده‌ای که موجب صحبت کردن و پیشرفت زبان است، از طرف مادر و مابقی افراد خانواده، به طفل عرضه می‌شود. صحبت بین کودک و والدین معمولاً مختصر است و از چند کلمه تجاوز نمی‌کند. معمولاً آن صحبت هم در مورد کارهایی است که طفل انجام می‌دهد، یا در مورد سنوالی است که می‌کند، و بیش از چند ثانیه طول نمی‌کشد. ولی از آنجائیکه این صحبت‌های کوتاه مربوط به کار یا سوال کودک است، مغز او آمادگی زیادی برای کسب آنها دارد.^۹

۹. (مطالب فوق از طرف متخصصین دانشگاه هاروارد عنوان شده که از تکرار نام هاروارد پرهیز می‌شود.)

دکتر وایت می گوید اعمال مادر به طور مستقیم و غیر مستقیم در اطفال سه ساله قویترین عامل تشکیل دهنده‌ی رشد آنها است. می توانم بگویم بیشتر مبانی صفات یک فرد در طول زندگی او بوسیله کارهای مادر طی این دو سال پی ریزی می شود.

چه روشی مادر را در دوساله‌ی بین یکسالگی و سه سالگی، یک مادر ایده آل می سازد؟ مؤثرترین مادران نمی توانند تمام وقت خود را صرف پرورش کودک کنند. بیشتر آنها در منزل یا خارج کار دارند و بعضی هم به طور نیمه وقت کار می کنند.

آنچه که این مادران می کنند بدون آنکه دقیقاً خود علت آن را بدانند عبارتست از: انجام صحیح وظائف و کارهاییکه مشاور و طراح تزئین منزل توصیه می کند و آن طرح یک دنیای فیزیکی است که هرچه بیشتر برای پرورش کودک و رشد حس کنجکاوی او در سنین دو و سه سالگی، مناسب است. چنین خانه‌ای مملو است از وسائل کوچک قابل دستکاری و رؤیت و دقت در اجراء آنها، این خانه این شانس را به کودک می دهد که به اطراف حرکت کرده و بالا و پائین برود.

محققین می گویند مادر ایده آل مادری است که اختیار دهنده و با اغماض باشد و کودک را در قسمت اعظم کاوشهایش ترغیب نماید. مادر معمولاً مستقیماً درگیر کارهای کودک نیست، ولی در حدود رسیدن صدای فرزند می باشد. هنگامی که فرزند با موقعیت جالب یا مشکلی برخورد می کند به طرف مادر رفته و او را با شوق و جذبه‌ای که به وی دست داده، شرکت می دهد و یا نظرویی را جویا می شود.

این امر موجب می شود که مادر با کودک صحبت کند. ضمن صحبت کردن با فرزند، مادر منظور او را درک می کند وی باید زبانی را در گفتگو به کار ببرد که قدری بالای سطح درک کودک باشد، ولی در

عین حال آنرا بفهمد. مادر نباید صحبت را بیش از آنچه که طفل می‌خواهد طولانی کند.

دکتر وایت توجه می‌دهد که: گرچه تشویق، محبت و تعریف از کار کودک، بین مادر و فرزند وجود دارد، معه‌ذا مادر زنی است جدی و در صحبت حدودی برای خود قائل است. او به زبان مؤدب و با انضباطی صحبت می‌کند تا کودک می‌فهمد. ولی او انتظار ندارد که بیش از آنچه که کودک می‌تواند و قدرت انجام آن را دارد سخن بگوید.

دکتر وایت می‌گوید مادر مؤثر و برجسته، باید از انرژی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد. کار مادر جوان بدون داشتن کمکی در خانه حتی با استفاده از وسائل مدرن مستلزم صرف وقت و انرژی زیادی است. ما خانواده‌هایی داریم که با درآمد کمی زندگی می‌کنند و دارای سه فرزند نزدیک به هم می‌باشند ولی با این حال در پرورش اطفال خود وظیفه خویش را به خوبی، مانند خانواده‌های خیلی پیشرفته انجام می‌دهند. بعد از آنکه کودک اولین سال تولد خود را جشن گرفت، می‌توانند با وسیع کردن محیط زندگی او موجب رشد نیروی فکری وی گردند محیطی که در آن محیط، به آزادی بتواند بازی کند. می‌توانید به او بیاموزید چگونه اشیائی را که ممکن است آسیب برساند بکار ببرند. چگونه از تخت افراد بزرگ سر خورده و پائین بیاید، اول پاها را آویخته، سپس خود را سر بدهد. از پله‌ها چگونه بالا و پائین برود و به این ترتیب آزادی وسیعتری به او بدهید.

اگر هوا گرم و آفتابی است می‌تواند محیط وسیعتری از صحن منزل را محصور و از وسائلی که ممکن است آسیب برساند، تخلیه و کودک را در آنجا آزاد نمایید که به جستجوهای خود ادامه دهد. یا او را به پارک مجاور برده و بگذارید بازی کند. ضمناً لازم است او را از نزدیک

مراقبت نمائید که هرچه را در دهان خود نگذارد.

برای کمک به آزادی کودک، لازم است معنای کلمه‌ی «نه» را به وی بیاموزید، ولی البته آنرا زیاد بکار نبرید تا این توهم برای کودک پیش نیاید که اگر او به کوشش و آموختن نپردازد، شما او را بهتر دوست خواهید داشت.

کودک نیازی ندارد که به پشت دست او بزنید یا به پشتش بزنید و به این طریق به وی بفهمانید به مالکیت دیگران احترام بگذارد. این کارها برای خودداری طفل از ادامه‌ی فعالیت موجب می‌شود که کودک با اطفال کوچکتر از خود نیز همین عمل را انجام دهد. طفل از کتک خوردن احساس حقارت می‌کند. فقط زدن به پشت کودک، به طور استثنائی آنهم هنگامی که او در معرض خطر قرار دارد ممکن است مفید واقع شود.

برای اطفالی که به زودی خود را تعدیل می‌کند، فقط گفتن کلمه‌ی نه کافیت که البته بایستی با صدای محکم و آرام اداء شود. طریق دیگر، برای آموختن کلمه نه، اینست که ابتدا برای خود شما کاملاً روشن باشد چه اشیائی را نبایستی دست بزند و چه کارهائی را نمی‌خواهید او انجام دهد. این لیست را هرچه کوتاهتر تهیه کنید. پس از آنکه مشاهده کردید کودک به یکی از آن اشیاء دست زده یا کاری را که می‌خواهید او را از آن منع کنید انجام داده، جلو او بنشینید، دوستان وی را از آرنج به پائین گرفته و روی گونه‌های کودک بگذارید تا کاملاً به شما نگاه کند، پس از ۳۰ ثانیه سکوت به وی بگوئید «نه» و «دست نزن».

پس از آنکه کودک عازم رفتن می‌شود او را ببوسید یا در آغوش فشار دهید. این عمل موجب می‌شود که کودک به آنچه که گفته‌اید، بیشتر توجه کند. طفلی که می‌خواهد مغز خود را با دانستنی‌ها پر کند نباید تنبیه شود. او نیاز به آموختن حقوق، مالکیت و خطرات موجود در

دنیای جالب خود دارد.

شما ممکن است چند مرتبه این روش را ادامه دهید، ولی کودک مایل است علت «نه» را بداند پس لازم است شما جمله کوتاهی به آن اضافه کنید. نه، این ظرف دستت را می سوزاند. نه، این مال مریم است. نه، این ظرف می شکند. این روش، کودک شما را متقاعد می کند که فرد مستبدی نیستید.

اگر شما موقعیتهای زیادی برای آموختن و پر کردن مغز کودک، بوسیله اطلاعات احساسی در اختیار فرزند بگذارید و او را دوست داشته باشید او «نه های» شما را با میل می پذیرد و نیز اگر شما نیازهای کودک را درک کنید، او را دوست داشته باشید، شما پی خواهید برد که هیچگاه نیاز به پیش راندن فرزند ندارید و انضباط هم مشکلی برای منزل شما نیست.

اکنون فرزند شما می تواند اسباب بازیها را به جلو رانده یا به طرف خود بکشد. کودک یک ساله می تواند اطلاعات خوبی در مورد هوا و جاذبه یا قوه ثقل بوسیله ی بالونهای پر شده از هوا کسب کند. می توانید برای او از مقوا خانه ی کوچکی بسازید. او دوست دارد داخل آن شود یا به صورت غار از آن استفاده کند. برای او تفریح خوبی است.

پلکان، جاذبه ی خوبی برای اطفال در این سن و سال دارند. می توانید با مراقبت بگذارید تمرین کند. قطعات چوبی که داخل هم شده و خارج می شوند یا حلقه های چوبی برای وی آموزنده و سرگرمی خوبی هستند. در این سن بازی ساده ی قایم موشک، سرگرمی جالبی است. ابتدا می توانید جسمی را به او نشان دهید سپس به شکلی که او ناظر باشد جسم را پنهان کنید. کودک پس از پیدا کردن جسم، از این کار لذت می برد و می آموزد که اشیائی هم که در معرض دید نیستند، وجود دارند.

راه دیگری که موجب توسعه و رشد فکری کودک است، بردن وی با خود به خارج از منزل است. برای او دیدن کودک دیگر لذت بخش است، حتی اگر آن قدر بزرگ نباشد که بتواند با وی بازی کند. برای فرزند جالب است که طفلی را با خود در یک اطاق ببیند که با اسباب بازیها بازی می کند.

در خارج از منزل بهتر است کودک بوسیله ی کالسکه حمل شود زیرا قادر است بهتر و بیشتر اشیاء، افراد و ساختمانها را دیده و به اطلاعات خود بیافزاید. بگذارید هر جا که می تواند راه برود. در این وضعیت کودک می تواند سیلی از اطلاعات و انگیزه های احساسی به مغز خود سرازیر کند. در این موقعیت می توانید وضع یک درخت، زیبایی و رنگ گل، نرمی پوست گربه و امثال آنها را به وی نشان دهید. او را با خود به فروشگاه ببرید به او اجازه دهید نوشیدنی خنک را آزمایش کرده، نارنجها را در پاکت گذارده و از آن خارج کند، بگذارید سردی وسائل داخل یخچال و خنکی اشیاء منجمد را حس کند. این کار هم برای شما مشغول کننده و برای کودک نیز آموزنده است.

دائره ی لغات کودک در سن یک سال و نیم ممکن است به بیست عدد بالغ شود. ولی درک وی از صحبت هائی که می کنید زیاد است. هر وقت با کودک هستید با او صحبت کنید. هنگام تعویض پوشش، غذا دادن، هنگامیکه کار خانه را انجام می دهید یا غذا می پزید هنگامی که او را به بالا و پائین می اندازید یا او را می جنبانید با وی حرف بزنید.

از کودک بخواهید اعضاء بدن خود را نشان دهد، بینی، چشم، گوش و غیره این خود یک بازی مفرح است. برای کودک کتابی را که دوست دارد چندین بار بخوانید. او دوست دارد صفحات مجلات را ببیند و آنها را ورق بزند. دوست دارد به عکس اسباب بازی هائی که در مجله

است نگاه کند. عکس حیوانات در مجلات و کتب، برای کودکان جالب است و دانستیهای آنها را تقویت می‌کند.

هرچه با کودک بیشتر صحبت کنید دایره لغات وی وسیعتر می‌شود و در دومین سال تولد، قادر می‌شود که به خوبی صحبت کند. ضبط صوت و موزیک رادیو، انگیزه آموختن از راه گوش وی را تقویت می‌کند. تعداد زیادی از کودکان آهنگ‌های کمدی را دوست دارند و از شنیدن آنها لذت می‌برند. در هیجده ماهگی طفل می‌تواند آهنگهای ضبط شده برای کودکان را شناخته و بین آنها فرق بگذارد.

بررسی متخصصین نشان داده که اولین هیجده ماهگی کودک، مهمترین دوران زندگی او است چه قدرت افزایش نیروی فکری وی، از همیشه بیشتر است. این برخلاف نظریه‌ی گذشتگان است که عقیده داشتند در این دوران، بایستی از لحاظ رشد فیزیکی به کودک توجه شود. هنوز نیاز به بررسیهای بیشتری است که والدین چه روشی را باید پیش بگیرند که اطفال مختلف به حداکثر رشد ظرفیت مغزی خود برسند. والدین، اولین و مؤثرترین آموزگاران هستند که کودک از بدو تولد خواهد داشت. آنها هستند که می‌توانند ظرفیت فکری کودک را افزایش یا نقصان دهند.



میل سیری ناپذیر کودک به آموختن در سنین ۱۸ ماهگی تا سه سالگی

اگر شما به میل و عطش سیری ناپذیر کودک خود به آموختن مشکوک هستید کافی است در ماههای بین یکسال و نیمه و سه سالگی، او را تحت نظر گرفته، دویدن، بالا رفتن، سوال کردن و مداخله در هر کار او را ملاحظه کنید. یک کودک دو یا سه ساله، از یک ورزشکار حرفه‌ای بیشتر حرکت می‌کند، بیش از نوارهای ضبط رادیو، صحبت می‌کند، بیش از مادرش می‌دود تازه به قدری انرژی دارد که به زحمت او را برای خواب می‌توانید به رختخواب ببرید. خیلی فرد خوشبختی هستید اگر بتوانید او را به قدر کافی بنشانید که غذایش را بخورد.

ماههای بین یکسال و یکسال و نیم و همچنین سه سالگی، دارای چهار تا شش مرحله هستند که مراحل دوگانه‌های خطرناک نامیده می‌شوند. این دورانهائی است که مغز کودک با هر نوع محدودیتی که

برای آموختن و شناسائی در جلو او بگذارند، مخالفت می کند.

اگر جهت کود کان خود موقعیتهای بیشتری برای آموختن فراهم کنید و بگذارید حس کنجکاوی خود را ارضاء نمایند و فردی شایسته تر گردند، خیلی زندگی کردن با آنها آسانتر خواهد شد. اگر فرزند مجذوب آموختن بشود و بیاموزد که چگونه با وسائل بازی کند یا علاقه در حال انفجار خود را صرف آموختن زبان نماید، دیگر سبب زیاده را داخل آکواریوم خالی نمی کند یا غذاها را به سقف پرتاب نمی نماید. اگر به او کمک کنید تا کنترل خود را روی اشیائی که در اطراف وی وجود دارد، رشد و نمو دهد، او احساس بطلالت و دلسردی نمی کند. در طول یکسالگی تا سه سالگی، کودک شما نیاز مبرمی به فعالیت جنبشی و ماشینی دارد. هرچه بیشتر انگیزه و محرک هائی را از طریق نگاه کردن، گوش دادن، چشیدن، بو کردن، لمس کردن در مغز خود جای دهد باهوشتر می گردد.

در این سن که او از صورت یک نوزاد، به صورت یک کودک قبل از دبستان درآمده نیازهای بیشتری به فعالیت های احساسی دارد. این کارها بایستی در الگوهای تنظیم شود که به درک مفهوم و هدف آن کارها به وی کمک نماید. اکنون کودک بیشتر قادر است فکر کند، استدلال نماید و از بکار بردن اشیاء به صورتی که نمایانگر هدف آن اشیاء است، نتیجه گیری کند. موج آموزش زبان که در سنین بین یک و چهار سالگی صورت بگیرد، نه تنها در بیان افکار، به او کمک می کند، بلکه در شکل گرفتن اندیشه ها نیز بسیار مؤثر است.

در این دوران، طرز آموختن فرزند شما نیز متبلور شده و فرم می گیرد. این نحوه ی آموختن، در بقیه عمر با وی همراه خواهد بود. قسمتی از نحوه ی یادگیری و آموختن فرزند شما مبتنی بر عوامل ذاتی

است. آیا او سریع است یا آرام، بی‌حوصله یا خونسرد، مستقل یا وابسته، خیالش راحت است یا به دنبال هدف می‌باشد. تصمیم‌گیری او به مقدار زیاد به این بستگی دارد که تلاش‌های وی برای آموختن، با شادی و کمک والدین روبرو می‌شود، یا بطور دائم با تنبیه، توجه کم و دلسردی مواجه می‌گردد.

با توجه به اطلاعاتی که در دسترس است، ترتیب دادن یک محیط آموزشی و دارای محرک و انگیزه‌های آموزش، در سنین هیجده و سی و شش ماهگی، آن‌طور که به نظر می‌رسد، مشکلی پیش نمی‌آورد.

اصولاً کودک شما در حرکات و رفتارهای راه‌نمائی‌های زیادی به شما می‌کند و می‌فهماند که مغز در حال رشدش به چه چیزهایی نیاز دارد. نیازی نیست که آموختن را به وی تحمیل کنید یا سعی کنید حقایق را بدون تفکر بپذیرد. کار شما عبارتست از اینکه ببینید که آیا او دارای این موقعیت و دلگرمی هست که خودش به خودش بیاموزد یا خیر؟

پس از آنکه کودک راه رفتن را آموخت و توانست به راحتی به هر طرف که می‌خواهد برود، علاقه او به حرف زدن منحرف می‌شود. در هیجده ماهگی ممکنست او فقط پانزده تا بیست و پنج کلمه را ادا کند. در دو سال و نیمه، او می‌تواند کاملاً صحبت کند. در سه سالگی شما میل دارید او قدری حرف زدن را قطع کند تا شما استراحت کنید.

تعداد زیادی از والدین کار بسیار خوبی برای کمک به آموزش زبان کودک می‌کنند. آنهم به این وسیله که محیط اطراف کودک را، با مدلهای خوب زبان پر می‌کنند به شکلی که او بتواند اشتباهات خود را تصحیح کند. کودک از افزایش شایستگی خود به حرف زدن لذت می‌برد و حس می‌کند که کلمات به او نیروی عمل، در دنیای خودش را می‌دهند. والدین به قدری از پیشرفت صحبت کردن کودک لذت می‌برند

که افراد بالغ را دعوت به شنیدن صحبت کردن وی می نمایند .
 به قدری حس گیرندگی کودک در این سن قوی است، که با شنیدن صحبت ها، دقیقاً آنها را یاد گرفته و به آن زبان، اعم از فرانسه، انگلیسی، ژاپنی و غیره به خوبی صحبت می کند . در خانه هایی که والدین به علت اشتغال، بیسوادی و بی علافگی نمی توانند مدل های خوبی در این دوران برای اطفال خود تهیه کنند، جبران این ضایعه برایشان بعدها بسیار مشکل و یا مستلزم تلاش بی اندازه زیادی است. نداشتن موقعیت برای یاد گرفتن و صحبت کردن صحیح، در سال های اول زندگی، محتملاً عامل عمده ایست که توانائی آموختن کود کان را کاهش می دهد .

هرچه طفل زودتر صحبت کردن را بیاموزد، به شکلی بتواند با اطرافیان ارتباط برقرار کند، به همان نسبت او خوشحال تر است و می تواند راحت تر زندگی کند . مقدار زیادی از کج خلقی های خانواده در این دوران به علت عدم توانائی کودک در گفتن خواسته های خود، به والدین است. اگر کودک زبان را به خوبی آموخته باشد، برقراری نظم و انضباط نیز در منزل راحت تر انجام می شود، زیرا والدین، خواهند توانست دلائل هر کاری را به کود کان بفهمانند و مجبور نشوند برای انجام هر کاری، کود ک را تحت فشار قرار دهند .

شما نیازی ندارید تا به کود کان خود بیاموزید که چگونه سیلاب ها را درست کنند . کافی است کلمات را به آنها بیاموزید . آنان ضمن صحبت کردن معمولی، درخواهند یافت که چگونه سیلاب ها را درست کنند . برای مثال ضمن حمام کردن کود ک، با شما، لازم است تا اسامی اعضاء بدن او را که نمی شناسد به وی بیاموزید . پس از آنکه آنها را آموخت دفعه ی بعد از او سوال کنید که میل دارد از کجای بدن شروع به شستن و مالش بدن او بکنید . هنگام پوشانیدن لباس هر قسمت معین را